

مقاله پژوهشی

مقایسه تطبیقی سیما، منظر، چشم انداز به عنوان برابر نهادهای فارسی «Landscape» انگلیسی

رضا کسروی*

استادیار دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

سیدامیر هاشمی‌زادگان

استادیار دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

چکیده | ترجمه کتاب «سیمای شهر» نوشته کوین لینچ ادبیات جدیدی را وارد فضای معماری و شهرسازی ایران کرد. مترجم این کتاب، Image؛ تصویر (یا تصور) شهر را بدون توجه به ریشه‌های زبان‌شناختی آن برابر با «سیما» گرفت. با تأسیس رشته معماری منظر، چارچوب نظری جدیدی در ذیل مفهوم «لنداسکیپ» به ادبیات معماری و شهرسازی افزوده شد و بعدتر برخی صاحب‌نظران، از «چشم‌انداز» به‌عنوان برابر نهاده لنداسکیپ استفاده کردند و در این فضا، استفاده از این سه واژه به‌جای هم، فضا را دچار نوعی تقلیل معنا و آشفتگی در ترجمه مفهوم لنداسکیپ کرد. این مقاله با مینا قرار دادن تعریف کمیسیون اروپایی لنداسکیپ از طریق مقایسه تطبیقی با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل لغت‌شناسی به قضاوت در خصوص توانایی واژگان برای انتقال بار معنایی لنداسکیپ به زبان فارسی می‌پردازد. دو جزء اساسی لنداسکیپ عبارتند از: وابستگی به مکان بیرونی و جایگان ذهن و ادراک انسان در تعاملات او و محیط. نظر، در زبان اندیشمندان ایرانی ابزاری پویا برای ایجاد آگاهی جدید بر اساس ادراک محسوسات است و منظر اسم مکان این پدیده، منظر در مقایسه با سیما و چشم‌انداز، ادراک حسی کامل‌تری را منتقل می‌کند و خاصه در مقایسه با چشم‌انداز، ادراک با فاصله و لزوماً دارای صفت مثبت نیست. منظر و سیما از نظر معنایی مترادف و قابل جابجایی با یکدیگر نیستند. سیما در معنای متأخر، معطوف به‌صورت و شکل است و قادر به بیان ذهنیت پس‌صورت نیست، از این‌رو آن را می‌توان صورت منظر دانست. درگیری ادامه‌دار ناظر با صورت منظر و همراه شدن با خاطرات آن، او را از سیما به منظر دلالت می‌کند. ذومراتب بودن منظر در مقایسه با ثبات «سیما» و «چشم‌انداز» تناسب بیشتری با پویایی لنداسکیپ دارد.

واژگان کلیدی | مقایسه تطبیقی، منظر، چشم‌انداز، سیما، ادراک.

تأسیس این رشته در ایران، استفاده از واژه منظر گسترش یافت اما به موازات، شاهد استفاده بعضی نهادهای رسمی و افراد متخصص از واژه‌هایی مثل چشم‌انداز، سیما و بعضاً دورنما هستیم. اگرچه به نظر می‌رسد ساخت ترکیبات گوناگون با واژه منظر، آن را بیش از دو واژه دیگر در ادبیات حرفه‌ای معماری و شهرسازی تثبیت کرده، اما کثرت استفاده توأم با جابجایی‌های معنایی بین این واژگان و بعضاً اضافه کردن واژگان ذهنی و عینی به واژه منظر، باعث آشفتگی در استفاده از آن شده و به‌طور خاص، منظر را به یک اشتراک لفظی و نه معنایی تقلیل داده است. این مقاله بر آن است تا با

مقدمه | واژه‌گزینی، فرایندی است که در آن برای مفهوم مشخصی که می‌تواند علمی، فنی یا حرفه‌ای یا هنری باشد یک لفظ، برگزیده یا ساخته می‌شود (گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، ۹). گزینش واژه مناسب ضمن هماهنگ کردن اصطلاحات موجود در متون علمی باعث می‌شود ارتباط بهتری بین متخصصان برقرار شود و از سوی دیگر آموزش علم را تسهیل می‌کند (سمائی، ۱۳۸۲، ۱۰۳-۱۰۴). در دنیای انگلیسی‌زبان، رشته معماری منظر با نام Landscape Architecture شناخته می‌شود. با

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۸۰۰۰۳۵۵ reza.kasravi@ut.ac.ir

مسیر، تعریف یک منبع رسمی و قانونی را مبنای بحث قرار خواهد داد.

روش تحقیق

در این پژوهش کیفی، تعریف رسمی کنوانسیون اروپایی لنداسکیپ^۱ معیار قرار گرفته و انتخاب واژگان فارسی چنانکه در بخش پیشینه پژوهش ذکر شده بر اساس میزان استفاده از آن‌ها در منابع علمی فارسی در حوزه معماری و شهرسازی کشور صورت پذیرفته است. برای سنجش توانایی هر کدام از این واژگان برای انتقال مفهوم لنداسکیپ از روش پژوهش تطبیقی استفاده شده است که بر تفاوت مفهوم این سه واژه بیش از شباهت‌ها تمرکز دارد. بر این مبنا بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای به منابع فارسی نظم و نثر از قرن سوم هجری بدین سو و به‌طور خاص لغت‌نامه‌های فارسی متأخر مثل دهخدا و عمید و همچنین «فرهنگ فارسی به پهلوی» (فرهوشی، ۱۳۸۱) مراجعه و در خصوص واژگان عربی، از منابع تفسیری و لغوی عربی قرون اولیه هجری و نیز منابع زبان‌شناسی متأخر از جمله «تفسیر مجمع‌البیان» (طوسی، ۱۳۸۹) و «مفردات الفاظ قران» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷) و نیز کتاب «فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی» (مشکور، ۱۳۴۶) استفاده شده است. مقاله در نهایت با مقایسه امکانات هر یک از واژگان فوق به قضاوت می‌پردازد.

بدنه بحث

• تعریف Landscape

تعاریف متعدد و مختلف لنداسکیپ، بستگی تام به رویکرد تعریف‌کننده آن دارد. طراحان محیط زیست، جغرافیدانان، طراحان شهری، معماران و غیره، هر کدام از موضع خود لنداسکیپ را تعریف می‌کنند. در این مقاله، برای اجتناب از واردشدن به مباحث نظری و اختلافی بین رشته‌های مختلف، تعریف رسمی کنوانسیون اروپایی لنداسکیپ مبنا قرار گرفته است. دلیل این انتخاب، تقدم اروپا در شکل‌گیری و رشد لنداسکیپ و سابقه آن در تدوین مبانی نظری منظر و تشکیل نهادهای رسمی در مقایسه با دیگر نقاط جهان است. از نظر این کنوانسیون «لنداسکیپ، ناحیه‌ای^۲ است که مردم آن را ادراک می‌کنند و کاراکتر آن نتیجه تعامل مؤلفه‌های طبیعی و/یا انسانی است» (Sevenant & Antrop, 2009, 2889). این تعریف، لنداسکیپ را وابسته به دو عنصر اصلی می‌داند که با حذف هر یک، فهم آن مخدوش می‌شود؛ اول؛ ناحیه یا محیطی که انسان را در بر می‌گیرد و دوم خود انسان که برای درک و ارتباط با محیط وارد آن می‌شود. از مشخصه‌های ناحیه یا محیط، مکان‌مندی و خصلت بیرونی آن (در مقایسه با معماری) است. دیگر اینکه، پویایی محیط و وجود انسان اعم از ذهن و کالبد او در این تعریف مستتر است. بدین ترتیب، واژه‌ای که بتواند دو جزء اصلی این تعریف و مضامین

بررسی مفهوم لنداسکیپ در زبان مبدأ و کاوش در امکانات زبان مقصد، از طریق مقایسه تطبیقی بین برابرهادهای^۱ فارسی، گامی در جهت روشن‌تر شدن فضا برای گزینش و پذیرش واژه صحیح‌تر بردارد.

پیشینه پژوهش

سیما در دهه پنجاه شمسی و قبل از منظر و چشم‌انداز با ترجمه منوچهر مزینی از کتاب «The Image of the City» نوشته کوین لینچ، به‌عنوان برگردان «Image» وارد ادبیات حرفه‌ای معماری و شهرسازی شد. سیما شهر تا مدت‌ها تنها واژه‌ای بود که متخصصان برای صحبت درباره مفهوم، معنا و صورت شهر در اختیار داشتند. در میان آثار متأخرتر، برگردان فارسی کتاب «City as Landscape» به‌صورت: «شهر همچون چشم‌انداز»؛ نوشته تام ترنر با ترجمه فرشاد نوریان از جمله کتاب‌هایی است که «چشم‌انداز» را به‌عنوان برابر لنداسکیپ پیشنهاد می‌کند. بیانیه نخستین همایشی که وزارت مسکن و شهرسازی وقت تحت عنوان «همایش سیما و منظر شهری، تجارب جهانی و چشم‌انداز آینده» برگزار کرد، اولین واکنش نهادهای رسمی در خصوص روشن کردن معنای این مفهوم بود. در این بیانیه، منظر شهری به این صورت تعریف شد: «عینیتی مستقل از انسان که توسط او ادراک می‌شود» و سیما «تصویر ذهنی، ذهنیتی که از طریق ادراک و پردازش منظر در ذهن انسان ایجاد می‌شود» دانسته شد و بدین ترتیب واژه‌های منظر و سیما را دچار جایجایی و اعوجاج معنایی کرد. مقاله «سیمای شهر و آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید» نوشته دکتر جهان‌شاه پاکزاد را باید از جمله این دست نوشتار دانست. مقاله «گستره معنای منظر و مترادف‌های آن در زبان فارسی» نوشته منصور و مخلص (۱۳۹۶)، از معدود مقالاتی است که به سیما و منظر می‌پردازد و در نتیجه‌گیری، سیما را به معنای کالبد و عینیت منظر می‌گیرد. علاوه بر کتاب و مقالات فوق، کتاب «معماری منظر درآمدی بر تعریف‌ها و مبانی نظری» (تقوایی، ۱۳۹۱) در دو فصل به مفهوم منظر و لنداسکیپ می‌پردازد و با رجوع به منابع فرهنگی زبان فارسی و انگلیسی چنانکه از اسم کتاب پیداست، منظر را ترجمه لنداسکیپ انگلیسی معرفی می‌کند. نویسنده در همان ابتدای فصل اول به فقدان تعریف واحد از واژه لنداسکیپ در زبان فارسی اشاره می‌کند. او معنی منظر را عمدتاً در میان متون متقدم به خصوص شعر جستجو می‌کند و سیر تحول نظر و منظر به‌طور خاص در حوزه فلسفه و اندیشه سخنی نمی‌گوید و به مقایسه بین دیگر گزینه‌ها از قبیل چشم‌انداز، سیما و غیره با منظر نمی‌پردازد.

مقاله پیش رو بر آن است تا ضمن بازخوانی مجدد منابع، سیر تحول واژه سیما و منظر را در زبان و بیان بزرگان اندیشه فارسی زبان بررسی، ضمن نقد برابرهادهای دیگر، نحوه فریب‌شدن واژه منظر در جهت انتقال معنای لنداسکیپ انگلیسی را بررسی کند و در این

مندرج در آن را بهتر به مخاطب فارسی زبان منتقل کند، برابر نهاده بهتری خواهد بود.

• واژه‌شناسی منظر

منظر واژه‌های عربی است که در قرون اولیه ورود اسلام به ایران وارد زبان فارسی شد. در اینجا ابتدا به ریشه‌های عربی این واژه و سپس به تطور معانی آن در فارسی اشاره می‌شود. منظر از ریشه «نظر» و بر وزن مَفْعَل (اسم مکان) است. ریشه نَظَرَ را باید در زبان‌های سامی، یکی از زیرشاخه‌های خانواده زبان‌های آفریقایی-آسیایی جست. معانی نظر در این زبان‌ها عبارتند از: آرامی کهن، به صورت NSR به معنی حمایت کردن. در عبری، nâsar (نَصَرَ) به معنی نگاه کردن، نگاهبانی کردن و نگاهداشتن. در زبان آشوری به صورت nasâru (نَصَارو) یعنی تحت نظر قراردادن، حمایت کردن و در زبان سریانی نَظَرَ: نگریستن، دیدن، اندیشیدن (مشکور، ۱۳۴۶). کتاب «العین» قدیمی‌ترین فرهنگ‌نامه عربی مربوط قرن دوم هجری قمری طیفی از معانی را ذکر می‌کند، از جمله: نگریستن، المنظر: مکانی در فراز کوه که نگهبان در آن می‌ایستد و دشمنان را زیر نظر می‌گیرد، عیناً مانند منظره (فراهیدی، ۱۹۸۴). راغب در «مفردات الفاظ قرآن» نوشته شده در قرن چهارم هجری حدود ده معنی برای نظر برمی‌شمرد: نظر، برگرداندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیزی است که مقصود از این عمل، تأمل و تحقیق درباره آن است و نیز مقصود از دیدن و تأمل، به‌دست آوردن معرفت و شناختی است که بعد از تحقیق حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۳۶۷). واژه‌نامه متعارف «المُنجد» می‌نویسد: نظر مصدر است و معانی آن یعنی نگریستن، نگاه کردن، تدبیر کردن، تأمل کردن، منتظر ماندن، چیزی را به مدت فروختن و داوری کردن است. مَنظَر: چیزی که در آن می‌نگری و خوشتر می‌آید یا حتی بدت می‌آید. مناظر، جمع منظر و منظره: به معنی زمینی که بلند است. مَنظَره: چیزی که در آن می‌نگری و خوشتر می‌آید یا حتی بدت می‌آید. کتاب «ذیلی بر قوامیس عرب» نوشته «دُزِی» واژه منظر معادل Belvédère فرانسوی به معنی جایی بر بلندی برای دیدن منظره دانسته شده است (Dozy, 1991). به نظر می‌رسد منظر از نظر لغوی واجد دو نوع معنی است؛ هم فاعلی و هم مفعولی. قرآنی بودن نظر نقش مهمی در تعدد معانی این واژه دارد. در قرآن معانی مختلفی از جمله نگاه توأم با اندیشه و تأمل، نگریستن با تدبیر، چاره‌اندیشی، دیدن همراه با تحبیر، علم‌یافتن، تفحص و جستجو، شاهدهی بودن، مشاهده کردن برای نظر وجود دارد (نیازکار، ۱۳۹۰). مروری بر قدیمی‌ترین دیوان‌های شاعران پارسی‌گوی ایران پس از اسلام نشان می‌دهد واژه نظر در دو شکل «منظر» و «منظره»، از اولین سال‌های سرایش شعر فارسی پس از اسلام مورد استفاده شاعران بوده است. منظره پیش از منظر در زبان فارسی کاربرد یافته (کسروی و فرزین، ۱۳۹۵) و ابتدا در دیوان کسایی مروزی، شاعر متقدم زبان فارسی که حدوداً هم‌دوره رودکی سمرقندی است معنای کوشک، خانه بر طبقه برین است.

چنانکه می‌دانیم در سنت معماری و باغ‌سازی ایرانی، کوشک سابقه زیادی دارد:

ای برکشیده منظره و کاخ تا سهیل / برده به برج گاو سر برج و کنگره (کسایی مروزی، ۱۳۷۳).

حافظ، سعدی و کثیری از شاعران فارسی، از نظر و ترکیبات آن مکرراً استفاده کرده‌اند. ترکیبات مختلف نظر واژه نظر ۱۲۷ بار در دیوان حافظ از ۵۰۰ غزل او و ۳۰۵ بار در غزلیات سعدی از ۶۹۳ غزل او مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین روشن است که تعریف خاصی در فکر و اندیشه این دو شاعر داشته است. به نظر می‌رسد اوج حضور واژه نظر در قرن هشتم و شعر حافظ است که بسامد بالایی در غزلیات او دارد و در هر کاربرد آن معنای متفاوتی برجسته می‌شود. حافظ از تمام ظرفیت‌های معنایی که این واژه در فارسی و عربی دارد استفاده می‌کند. به‌عنوان یک مثال، او در بیت زیر تعبیر شاعرانه «علم نظر» را با استفاده از همین ظرفیت‌ها می‌سازد:

از بتان آن طلب ار حسن شناسی ای دل

کاین کسی گفت که در علم نظر بینا بود

علم نظر به نحوی که حافظ به کار برده با شاخه‌های متعدد علوم و معارف ارتباط دارد و به هیچ‌کدام محدود نمی‌شود. این واژه تنها وجه شاعرانه ندارد و به دلیل اینکه در علوم مختلف کاربرد داشته است واژه‌های علمی نیز به شمار می‌رود و از این رو دارای تعاریف علمی و فلسفی است. علم نظر را می‌توان در تناسب با تئوری نیز معنا کرد. حافظ و سعدی از نظر، برای بیان بصارت و آگاهی استفاده کرده‌اند. خواجه‌نصیرالدین طوسی در قرن هفتم هجری قمری در «تلخیص المحصل» درباره نظر می‌نویسد: «فان النظر و البحث یقتضیان التاوی من اصل حاصل الی فرع مستحصل». نظر، نوعی سیر و حرکت ذهنی است از یک اصل حاصل و حادث به سوی فرعی که به مرحله دریافت ذهنی نرسیده است؛ بدین معنی که لازمه دست‌یابی به معرفت درباره پدیده‌ای، نظر بررسی و شناخت آن است تا بدین وسیله انسان بتواند بر مبنای آنچه که برای او حاصل شده است به آنچه هنوز نسبت به آن معرفتی نیافته، دست یابد. به عبارت دیگر به بهره‌گرفتن از محسوسات می‌توان دریافت‌های ذهنی ناشناخته را درک کرد. بر اساس تبیین خواجه نصیر، نظر ابزاری است در خدمت ایجاد آگاهی جدید. این امر در پدیده‌های تجربی نیز صادق است؛ چنان که مثلاً عقل بدون دیدن، بررسی و تمیز پدیده‌ای نمی‌تواند درک درستی از آن به دست بیاورد. بدیهی است هر کس به تناسب توان اندیشیدن قادر است از محسوسات به نتایج دست یابد. بر اساس این نگرش، «فرد قادر است زیبایی‌هایی را که در عالم محسوسات «می‌بیند» و بدان «نظر می‌افکند»، با معقولات در هم آمیزد و از این همبستگی معقول و محسوس، به غایت‌نگری حکیمانه دست یابد» (نیازکار، ۱۳۹۰).

• واژه‌شناسی سیما

واژه «سیما» در فرهنگ دهخدا، غیاث‌اللغات و منتهی‌الارب، فقط به معنای نشان و علامتی که خیر و شر بدان شناخته شوند ذکر شده و فرهنگ معین، آن را در دو معنای ۱- چهره، قیافه و ۲- علامت و هیئت، آورده است که نشان می‌دهد برداشت چهره از آن قدمت زیادی ندارد. ضبط این واژه در زبان پهلوی به صورت *gönak* (فرهوشی، ۱۳۸۱) دلیلی است بر این که واژه سیما فارسی نیست و همچون منظر عربی و نیز قرآنی است. در آیه شریفه «... سِيْمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ...»^۴ سیما به معنای نشانه و اثر و علامت است و معنی چهره از آن مستفاد نمی‌شود. چون در این آیه سیما و وجه (رخسار، چهره) در کنار هم آمده‌اند و هر دو نمی‌توانند یک معنی داشته باشند. در میان مفسران، شیخ طوسی نیز در تفسیر مجمع‌البیان «سیما» را به معنای علامت و مشتق از سه حرف اصلی «س و م» دانسته است (طوسی، ۱۳۸۹، ۳۱۲). بدین ترتیب دست کم در ادبیات کلاسیک فارسی سیما به معنای نشانه است و نباید آن را با چهره خلط کرد. از جمله در ابیات زیر:

ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست

سپهی قدان سیه چشم ماه‌سیما را (حافظ)

یا:

ای یار قمرسیما، ای مطرب شکرخا

آواز تو جان افزا تا روز مشین از پا (مولانا، دیوان شمس)

معنای متأخر چهره و صورت برای سیما به دلیل اینکه به هر حال در لغت‌نامه‌های جدید آمده قابل پذیرش است اما وجهی فیزیکی به آن می‌دهد. در واقع، سیما به شکل ظاهری شی دلالت دارد بدون آن که به معنا و تفسیر حاصل از آن اشاره کند، لذا فارغ از دریافت و ادراک و حضور ناظر و در غیاب وی نیز قابل توصیف است. به علاوه، ساخت ترکیبات وصفی فراوان در زبان فارسی با واژه «سیما» (همچون دیو سیما، پری سیما و...)، حکایت از خنثی بودن آن داشته که برای به‌دست آوردن بار ارزشی، ناچار به همراهی با واژگان وصفی است (منصوری و مخلص، ۱۳۹۶).

• واژه‌شناسی چشم‌انداز

چشم‌انداز اسم مرکب و واژه نسبتاً جدیدی است که قدمت استفاده از آن به ندرت فراتر از دو قرن گذشته می‌رسد و بعضاً مترادف با منظر و لنداسکیپ به کار می‌رود. (همان). یغمای جندقی از شعرا و نویسندگان قرن سیزدهم هجری از اولین نویسندگانی است که از این واژه استفاده کرده است:

...مهمان سرائی بساز باشد و میهمان را نیز تماشاگاه و چشم‌انداز، کاری است کردنی و باری بردنی (یغمای جندقی، ۱۳۶۹). فرهنگ عمید سه معنی برای چشم‌انداز آورده است: ۱. مساحتی از صحرا یا دامنه کوه که چشم همه آن را ببیند. ۲. منظره؛ دورنما؛ چشم‌افکن. ۳. منظره وسیع باصفا (عمید، ۱۳۷۵). دهخدا نیز کمابیش همین معنای را برای چشم‌انداز بر می‌شمرد (دهخدا، ۱۳۸۴).

بحث در خصوص یافته‌ها

در اینجا می‌توان به دقت به محل نزاع درباره واژه‌های «سیما» و «منظر» و «چشم‌انداز» پرداخت که گاهی در مقابل هم، گاهی در ترادف با یکدیگر و گاه برای بیان بخش‌های مختلف یک چیز به کار می‌روند. نقطه عزیمت اختلاف در برداشت از سیما و منظر، برگردان فارسی مفهوم *Image* در کتاب کوین لینچ به نام اصلی «The Image of the City» است. برای اولین بار در نیمه دوم قرن بیستم این مفهوم به ادبیات تخصصی طراحی شهری اضافه شد و به صورت «سیمای شهر» به ترجمه فارسی در آمد (لینچ، ۱۴۰۰). از میان متخصصان داخلی، طراحان شهری از جمله اولین کسانی بودند که در این خصوص نظرات مدونی را برای توضیح آن ارائه کردند. نویسندۀ مقاله «سیمای شهر و آنچه کوین لینچ از آن می‌فهمید» بر آن است که با اصلاح آنچه وی منظور لینچ از تصویر ذهنی می‌نامد، منظر را به آنچه که به چشم سر می‌آید معنا کند و تصویر ذهنی را همان عینیتی معرفی کند که به چشم دل آمده است. از نظر او منظر واژه‌ای عربی است بر وزن مَفْعَل که اسم مکان است و بنابراین چیزی است عینی، اما سیما یا تصویر ذهنی حاصل تعامل میان ناظر و محیط اوست. از این رو مترادف قراردادن دو مفهوم سیما و منظر پیامدی جز توجه به مسائل کالبدی شهر و آرایش فضا نخواهد داشت (پاکزاد، ۱۳۸۵).^۵ با توجه به توضیحاتی که در واژه‌شناسی «سیما» گفته شد، ترجمه *Image* به سیما نه با معنای متقدم این واژه عربی سازگار است و نه تناسبی با معنای متأخر آن یعنی صورت و کالبد دارد. از این رو تعریف همایش «سیما و منظر شهری، تجارب جهانی و چشم‌انداز آینده» از منظر شهری به صورت «عینیتی که مستقل از انسان وجود دارد و توسط او ادراک می‌شود» و سیما به مثابه «تصویر ذهنی و ذهنیتی که از طریق ادراک و پردازش منظر در ذهن انسان ایجاد می‌شود» نادرست است. چنانکه پیشتر گفته شد مراجعه به معانی مستند لنداسکیپ و تعاریف آن نشان‌دهنده وجود دو جزء اصلی در این دیسپلین است؛ اول انسان و سپس محیط. لنداسکیپ پدیده‌ای است که به واسطه ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن، توأمان حاصل می‌شود؛ در واقع پدیده‌ای است که عین و ذهن در آن نقش کلیدی دارند. برای سنجش میزان قرابت منظر و لنداسکیپ خوب است بار دیگر به تقریر خواجه نصیرالدین طوسی از مفهوم نظر کردن بنگریم تا معلوم شود که مراد او از فعل نظر کردن، با تعریف لنداسکیپ ددر تناسب است. اینکه انسان قادر است محسوسات را «دیده» و بدان «نظر افکنده» و بدین ترتیب آن‌ها را با معقولات درآمیزد بر دو جزء اصلی تعریف جدید تأکید می‌کند. ابوهلال عسکری ادیب و لغت‌شناس قرن چهارم هجری نیز در تعریف نظر می‌نویسد: «نظر عبارت است از طلب ادراک چیزی از طریق بینایی یا فکر و در ادراک معنی به هر دو (هم بینایی و هم فکر) نیازمند است. مانند تأمل در خط باریک (مبهم) که ابتدا با چشم (دیدن) صورت می‌گیرد و

می‌شود و فهم فضا عمق و غنای بیشتری پیدا می‌کند. از این رو لنداسکیپ را می‌توان اصطلاحاً امری ذومراتب یا تشکیکی دانست. هرچقدر درگیری فرد با فضا بیشتر شود، حرکت از سیما به منظر عمق بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا می‌توان نظر جهان‌شاه پاکزاد و برخی دیگر از متخصصان دربارهٔ سیما را بهتر نقد کرد؛ تعریف سیما به‌مثابهٔ عینیتی که به «چشم‌دل» آمده در واقع، نشان‌دهندهٔ معنی سیما به‌جای منظر و بالعکس است. در جدول ۱ به تطبیق واژه‌شناسانهٔ منظر، سیما و چشم‌انداز پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به تعریف کنوانسیون لنداسکیپ اروپا که مشخصه‌های لنداسکیپ را مکانمندی، بیرونی‌بودن و ارتباط آن با وجود پویای انسان و محیط برمی‌شمرد، امکاناتی که در واژگان سیما، منظر و چشم‌انداز برای انتقال مشخصه‌های فوق به مخاطب فارسی‌زبان وجود دارد از طریق مرور نحوهٔ استفادهٔ زبان فارسی از این واژگان قابل بررسی است. اگرچه در دوره‌های، تقلیل واژهٔ منظر به یک اسم مکان عربی، برداشت عینی از آن و بی‌توجهی به سیر تحول معنایی آن باعث می‌شد این واژه در نگاه برخی، برابر نهادهٔ مناسبی برای لنداسکیپ انگلیسی نباشد، اما با عمیق‌تر شدن در معانی که فکر و فلسفهٔ ایرانی در گذر زمان در آن انباشته، تناسب منظر و لنداسکیپ روشن‌تر می‌شود. اسم مکان منظر با مکانمندی منظر ارتباط دارد و توجه به ذومراتب بودن ادراک لنداسکیپ و تناظر معنایی آن با منظر برای دو گروه عموم مردم و متخصصان امکان خوبی برای تطابق لنداسکیپ و منظر فراهم می‌آورد. حضور اندیشه و ذهنیت در این واژه و پذیرش معانی مختلف و متنوع، بیانگر انعطاف‌پذیری و گستردگی تفکر پس از آن است.^۷ سیما که گاهی به‌جای منظر می‌نشیند، در معنای کلاسیک، نشانه و در معنای متأخر بیانگر صورت و شکل است. به همین دلیل معنای منظر را نباید به سیما منتسب کرد و بالعکس. هرچند به نظر می‌رسد به‌دلیل وجه فیزیکی و کالبدی مندرج در واژهٔ سیما می‌توان از آن برای توصیف عینیت منظر استفاده کرد. در مقایسهٔ بین منظر و

سپس با تأمل و فکر (محمدی آسیابادی، ۱۳۸۸)؟. روشن است که در این فعل، مکان یا جایگاهی برای نظر کردن لازم است و بردن آن بر وزن اسم مکان چیزی از معنای مندرج در آن نمی‌کاهد و فعل را به مکانش تقلیل نمی‌دهد. در فحوای منظر، سخن از طلب ادراک از طریق بینایی یا فکر می‌رود به نحوی که هر دو شرط لازم دریافت معنا هستند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که واژهٔ منظر از پسوند «ذهنی»، به‌صورت «منظر ذهنی» بی‌نیاز است. با توجه به معانی که در بالا برای واژهٔ «سیما» ذکر شد، سیما به هر آن چیزی اشاره دارد که به‌صورت بصری نمایان و قابل‌ادراک است؛ یعنی همهٔ اطلاعات بصری که ناظر از فضا دریافت می‌کند. در واقع سیمای شهر، همان فیزیک و ظاهر شهر است و شامل همهٔ عناصری است که در ترکیب با یکدیگر، جلوهٔ ظاهری فضای شهر را می‌سازند و مفهومی است متفاوت از منظر شهر. در مقایسه بین منظر و چشم‌انداز، مشخصه‌های اصلی چشم‌انداز عبارتند از: «مساحتی از زمین که چشم می‌بیند»، «منظره‌ای وسیع و باصفا است» و در «دوردست» قرار می‌گیرد. همان‌طور که در تعریف منظر به نقل از لغت‌نامهٔ المنجد گفته شد که منظر چیزی است که در آن می‌نگری و خوشت می‌آید یا حتی بدت می‌آید، لذا از نظر ادراک حسی، منظر کامل‌تر از چشم‌انداز است چون مقید به خوشامد ناظر نیست. به‌علاوه اینکه چشم‌انداز، ارتباط مشخص و روشنی با جنبه‌های ذهنی و معنایی ناظر و درونیات او ندارد و لزوماً در دوردست قرار می‌گیرد. بررسی معانی لغوی واژهٔ نظر نشان می‌دهد این واژه دارای دو معنی متفاوت یکی نزد صاحب‌نظران و دیگر نزد عموم است؛ نگاه کردن با چشم یا قلب برای درک حقایق اشیاء در نزد صاحب‌نظران که به معنای تأمل و بصیرت است و در نزد عموم مردم به معنای دیدن و نگاه کردن است (نیاز کار، ۱۳۹۰). نکتهٔ ظریفی که در واژه‌شناسی منظر و مفهوم لنداسکیپ مشترک است و نباید از آن ساده گذشت این است که مواجهه بدون سابقهٔ ذهنی و اول‌بار انسان با لنداسکیپ، به‌دلیل همین فقدان سابقه، در چارچوب کالبد و فیزیک منظر باقی می‌ماند اما در گذر زمان و تکرار مواجهه، وجه کالبدی و فیزیکی آن کم‌رنگ

جدول ۱. مقایسه تطبیقی سیما، منظر و چشم‌انداز از نظر واژه‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

چشم‌انداز	سیما	منظر	مؤلفه‌های تطبیق واژگان
ضعیف	ضعیف	غنی	پیشینه علمی فرهنگی
مفعولی	*	فاعلی - مفعولی	وجه فاعلی - مفعولی
عینی	عینی	عینی - ذهنی	عینی/ذهنی
*	*	*	مکان‌مندی (وابستگی به زمین)
*	*	*	بیرونی‌بودن (در مقایسه با معماری)
*	*	*	پویایی عامل انسانی
خوشایند/از دور	خنثی	طیف کامل حسی/از دور تا نزدیک	ادراک حسی
*	*	*	ذومراتب بودن

واژه‌انداز و نظریه به تئوری انگلیسی) بر مبنای واژه‌انداز منظر، ارتباط بهتری بین متخصصان لنداسکیپ ایجاد و آموزش این دانش را تسهیل می‌کند. از این‌رو در نتیجه مقایسه تطبیقی سه واژه سیما، منظر و چشم‌انداز، منظر برابر نهاد فارسی مناسب‌تری برای لنداسکیپ است.

چشم‌انداز از حیث توانایی انتقال مفهوم لنداسکیپ، منظر از نظر ادراک حسی، محدود به خوشامد ناظر از صحنه نیست و چشم‌انداز، ارتباط روشنی با جنبه‌های ذهنی و درونیات او ندارد و لزوماً در دوردست قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد هماهنگی اصطلاحات متون علمی مرتبط با دیسپلین لنداسکیپ (با توجه به نزدیکی

پی‌نوشت‌ها

۱. «برابرنهاده یا معادل، به واژه یا اصطلاحی گفته می‌شود که در برابر اصطلاح بیگانه به کار گرفته شده است. این برابرنهاده ممکن است مصوب فرهنگستان یا انتخاب پژوهشگر باشد». ۲/ European Landscape Convention / Area ۳. ۴ آیه ۲۹ سوره فتح. ترجمه الهی قمشه‌ای: «بر رخسارشان از اثر سجده نشانه‌های نورانیت پدیدار است». ۵. کامران ذکاو، مصطفی بهزادفر، امیرسعید محمودی نیز از جمله صاحب‌نظرانی هستند که با اندک تفاوت‌هایی، دیدگاه پاکزاد را درباره منظر دارند. ۶/ علی محمدی آسیابادی در مقاله «در نظریات حافظ» معانی بسیار گوناگون واژه منظر را در شعر حافظ برمی‌شمرد که بیانگر کثرت معانی و مفاهیم برآمده از آن در اندیشه این شاعر قرن هشتم است. ۷/ در نگاه فیلسوفانی مانند هایدگر زبان «خانه وجود» یا تجلی‌گاه وجود

است. هرچه بار معنایی کلمات گسترده‌تر باشد تجلی وجود در زبان پرنگ‌تر خواهد بود. در علوم تجربی هر کلمه یک معنای مشخص دارد مثلاً وقتی می‌گوییم اتم کاملاً مشخص است که از چه حرف می‌زنیم. در این علوم هرچه معنای یک واژه روشن‌تر باشد صحت سخن گوینده بیشتر است، اما در علوم انسانی به تبع گستردگی معنای یک واژه، تفکر گسترده‌تر می‌شود. این نکته در خصوص منظر که جایی در میانه علوم تجربی، انسانی و هنر قرار دارد اهمیت زیادی پیدا می‌کند. معانی مختلف و متنوعی که از نظر و منظر ساخته شده ظرفیتی در این واژه پدید آورده که به نظر می‌رسد در ترجمه مفهوم لنداسکیپ به فارسی حتی بیش از حد نیاز است. فروکاستن لنداسکیپ به واژگانی صلب و ایستا، با ذات پویای انسان و محیط سازگاری ندارد.

فهرست منابع

- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵)، سیما، شهر: آنچه کوبین لینچ از آن می‌فهمید. آبادی، (۵۳)، ۲۰-۲۶.
- تقوایی، سید حسین. (۱۳۹۱). معماری منظر درآمدی بر تعاریفها و مبانی نظری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۴). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷). مفردات الفاظ قرآن (ترجمه و تفسیر غلامرضا خسروی حسینی). ج. ۴، چاپ چهارم. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
- سمائی، فرشید. (۱۳۸۲). مکاتب اصطلاح‌شناسی و گرایش‌های فرهنگستان سوم. در مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- طوسی، فضل ابن حسن. (۱۳۸۹). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج. ۹. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، مرتضوی.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- فراهیدی، ابوعبدالرحمن خلیل ابن احمد. (۱۹۸۴). العین (تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامری). ج. اول تا هشتم. قم: دارالهجره.
- فرهوشی، بهرام. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی به پهلوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کسایی مروزی. (۱۳۷۳). دیوان کسایی مروزی (تصحیح محمدمامین ریاحی). تهران: نشر علمی.
- کسروی، رضا و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۵). جستاری درباره واژه منظر. هنر و تمدن
- شرق، (۱۱)۴، ۹-۱۴.
- گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۸). اصول و ضوابط واژه‌گزینی همراه با شرح و توضیحات. ویرایش سوم. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- لینچ، کوبین. (۱۴۰۰). سیما شهر (ترجمه منوچهر مزینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی آسیابادی، علی. (۱۳۸۸). در نظریات حافظ. پژوهشنامه زبان و ادب پارسی (گوهر گویا)، ۳ (۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- مشکور، محمد جواد. (۱۳۴۶). فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی. ج. دوم. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- منصوری، سیدامیر و مخلص فرونش. (۱۳۹۶). گستره معنای منظر و مترادف‌های آن در زبان فارسی. منظر، ۹ (۲۰)، ۱۶-۲۱.
- نیازکار، فرح. (۱۳۹۰). نظریات سعدی، دغدغه گناه. سعدی‌شناسی، (۱۴)، ۸۷-۹۹.
- یغمای جندقی، ابوالحسن. (۱۳۶۹). مجموعه آثار یغمای جندقی (تصحیح علی آل داوود). تهران: توس.
- Dozy, R. (1991). *SUPPLÉMENTAUX DICTIONNAIRES ARABES. 2 VOLS.* Leiden: E. J. Brill. Lebanon, Beirut.
- Sevenant, M. & Antrop, M. (2009). Cognitive Attributes and Aesthetic Preferences in Assessment and Differentiation of Landscapes. *Environmental Management*, (90), 2889-2899.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

کسروی، رضا و هاشمی‌زادگان، سیدامیر. (۱۴۰۲). مقایسه تطبیقی سیما، منظر، چشم‌انداز به‌عنوان برابرنهاده‌های فارسی «Landscape» انگلیسی. منظر، ۱۵ (۶۴)، ۵۴-۵۹.



DOI: 10.22034/MANZAR.2023.393131.2237

URL : https://www.manzar-sj.com/article_173854.html